

ملت مصر

- ۲ -

قسمت دوم - کارمندان دولت

مصری اگر کارمند دولت نباشد صلاح او در این است که بمیرد چه در مصر عضو اداره هیچ نمیده و همه چیز میگیرد اما فرد عادی نه تنها چیزی نمیگیرد بلکه آنچه هم دارد از او میگیرند. از روز گارهای پیش کارمند مصری در رعایت جانب مصالح و منافع خویش استاد و امام بوده است. گذشته پرافتخار او یعنی همان دوره هائی که کارگران مفت بکار برافراشتن اهرام مصر اشتغال داشتند و مأمور دولت در زیر سایبان بآنها فرمان میداد. برای ادعای ما شاهدی صادق است. مال و منال آسان و بطبیعت بچنگ کارمند مصری میافتد.

کارمند دولت بیچارگان و بینوایان را در خانه و باغ و باغچه عمارت خود بی اجر و مزد بکار میدارد و اگر بتواند، و غالباً هم میتواند، با سیبان قطار باراننده اتوبوس را تهدید و تخویف کند بدون پرداخت گرایه سوار میشود، اگر در انجمن بلدنی نفوذ داشته باشد، و نفوذ دارد، آب و برق او مجان است. بسینما و دیگر مراکز تفریح میرود اما پول خرج نمیکند مخصوصاً اگر در امر اجاره محل باعمال نفوذ با صاحب مؤسسه هم همراهی کرده باشد. کارمند فرزند خود را با آموزشگاههای مختلف میفرستد اما حق التعلیم نمی پردازد. درست است که هیچ عضوی حق اینگونه استفاده های نامشروع را ندارد و دوائهم مقررات و قوانین مبنی بر منع از این اعمال صدور می یابد اما عضو دولت بودن امری خرد و سرسری نیست.

قانون وضع میشود که کارمندان دولت حق ندارند فرزندان خود را بدون پرداخت حق التعلیم بمرسه بفرستند. هنوز مرکب امضای این حکم خشک نشده که یکی از وزراء پنج فرزند خود را از این قاعده مستثنی میسازد و البته کسی که در سال متجاوز از سه هزار بوند در آمد اوست چنین استحقاقی دارد.

روز بعد معاون بوزیر تاسی میکند و تا آخر هفته قانون درباره اشخاصی که در سال متجاوز از ششصد پوند حقوق میگیرند و هر يك شش فرزند مدرسه رو دارند بکلی بی اثر میماند. کارمندان جزء، که حقوقشان در سال از سیصد بوند تجاوز نمیکند و اهل و عیال آنها هم زیادتر است باید یکسال و گاهی بیشتر مجاهده کنند تا موفق شوند اولاد خود را از پرداخت شهریه معاف دارند. اعضای قراردادی و حکمی که در سال پیش از صد و هشتاد بوند ندارند و عده اولاد آنها از ده بیشتر است قبل از پایان دوره زندگی خود و رئیس اداره موفق نمیشوند که توجه اولیای امور را بتقاضای خویش معطوف بسازند. هر چند این

نکته مسلم است که سر انجام اینها هم بآرزوی خویش میرسند زیرا کارمند مصری هرگز در راه وصول مقصود و حصول مقفود تا مرگ چشمان او را نیسته است هیچوقت از پای نمیشیند .

افراد عادی هم مأیوس نیستند چه اگر دولت مصر ام-ور کشور را بهمین روش پسندیده فعلی اداره کند در آن دیار جز کارمند دولت دیاری نخواهد بود . این دوره پر برکت و بر نعمت بقدری نزدیک شده که مردم کوچه و بازار و بعبارت دقیقتر روستازادگان هم بآتیه امیدوار شده اند و اطمینان دارند که بهمین زودی در زمره زورمندان محسوب خواهند شد و دنیا یا آن قسمت از دنیا که رود نیل در آن روان است چون گوی در جلو پای آنها خواهد بود تا آنچنان که بخواهند آنها بچرخانند و بیای بزنند و هر ظلم و الجحافی که مایلند در آن مرتکب گردند .

تنها دغدغه در این است که اگر حکومت محصلین توسعه بیابد کسی که سنش از بیست سال تجاوز کند کار نخواهد داشت، این هیچ بعید نیست که روزی این هیئت حا که بی مقدمه و بی خبر حکم باز شستگی کارمندانیکه بیش از بیست سال دارند صادر کند و بجای آنان شاگردان دبستانها و دبیرستانها را منصوب گرداند .

کارمندان در امر معاش بسیار دور بینند و بهمین جهت هم در پنجاه سالگی که متقاعد میشوند مقدار اندوخته ایشان سیصد برابر حقوقی است که سراسر دوره خدمت خود گرفته اند . اینگونه اشخاص صرفه جو و پیش بین فقط در اداراتی که در کار خرید و لباس و بارچه او نیفرم و ساختمان و استجاره دخالت دارند دیده میشوند . کارمندان عادی بسیار اول خرج و کیسه بردارند و بهیچوجه قابل احترام و اعتناء نیستند چه هنگام باز نشستگی جز حقوق رسمی خود چیزی ندارند ، بی لیاقتی آنها از اینجا معلوم میشود که در مدت خدمت نتوانسته اند مبلغی صرفه جویی کنند . شاید هم فرصت مناسب بدستان نیامده است تا مبلغی برای روز میادا پس انداز کنند .

شعار مرد انگلیسی امروز این است که «میوه بخور ، آبجو بیشتر بنوش» - اما شعار مصری اینکه « بیشتر عضو دفتر استخدام کن» گوئی اصلا گل این ملت چنین سرشته و پیمانه زده شده است . بمحض اینکه دولت در صدد انجام کاری از قبیل راه سازی ، سد بندی ، درخت نشانی بر میآید گروهی انبوه از جوانان بکار نویسندگی و عضویت دفتر منصوب میگرددند و مدتها قبل از اینکه طبقه اول قیرریزی شروع یاسنگهای سد مهیا یا گودالی برای غرس اشجار کننده شود در عمارتی تازه ساز گرد میآیند و با قاهره یعنی مکه قلمزنان در امور واهی و بوج شروع بمکاتبه مینمایند و در اندک مدت چنان جای خود را باز میکنند و وجود خویش را ضرور قلمداد مینمایند که سالها یس از ختم کاری که برای آن استخدام شده اند در دستگاه دولت باقی می مانند . هیچ بعید نیست که در نقطه ای در قلب قاهره و دور از نظر عامه حال هم محلی بنام اداره ساختمان چیزه وجود داشته باشد و اعضای آن بوارسی صورت های حساب مقاطعه کاران سنگ بنای هرم خنوپس مشغول باشند . باتمام دقتی که اعضای بی شمار این اداره میکنند و حتی از اشتباه يك ملیم جلو گیری مینمایند باز برای تحویلدار یا معاسب بی نهایت آسان است که سه چهار هزار پوند خرج تراشی کند .

دولت مصر در نظر دارد که فلاحان قوی بنیه و پولاد بازوی را که بنیان محکم ملت است بافندیهای وارفته سینه باریک فینه بسر تبدیل کند. موفقیت او در این باب قابل تمجید است. مدارس هر سال هزاران «مرکب حرام کن» سیاه پوش با انواع و اقسام اسناد تحصیلی بجامعه تحویل میدهد و دولت مکلف است آنان را بکار بگمارد. چون دخل و خرج دولت بمیزان است چه داعی دارد که از صرفه جویی و اضافات محلهای جدید برای قلمزنان نتراشد و این مبالغ را بمصرف آنها نزنند. اگر فعلا سه تن کار یک عضو میکنند همین خود دلیل است که چهار تن هم ممکن است همان کار را انجام دهند.

هنگام بحران مالی، هر چند با کراهت، مصر از خواب لیتر اغوسی بیدار میشود و متوجه میگردد که پشتش از سنگینی بار کارمند خمیده شده است. در این هنگام بازرسانی سابقه- دار و مطلع که شم اقتصادی هم دارند تعیین میشوند که با ادارات سرکشی کنند و پیشنهادهایی برای اخراج اعضای زائد تهیه نمایند. صف آرائی کارمندان در برابر این هیئت تحیر آور است همچنانکه پیراز بچگان خود دفاع میکند این گروه هم در راه حفظ مقام خویش جانبازی مینمایند. ایستادگی فرانسویان کر «وردن» در برابر مصائب فراوان برای اخلاف نمونه اعلاى مردانگی است اما پیش مقاومت کارمندان زائد مصری که کارشان منحصراً بر رسیدگی بصورتیهای حسابی است که تا بحال دست کمده بارواری شده بسیار ناچیز است. بازرسان بیچاره که باید بیروندههایی که تاسف برهم نهاده شده رسیدگی کنند و حتی وقت نمی- کنند بمدت نیمساعت یک فنجان قهوه بنوشند ساعت یک بعد از ظهر در حالتی که سرشان گیج می رود و چشمشان بدلسوزی اعضای ادارات بر آب است افتان و خیزان برای صرف ناهار پست منزل روان میگردند، سپس گزارش سوزناک و گله آمیزی مبنی بر کثرت مشغله اعضا، مینویسند و در ضمن نظر میدهند که استخدام پانزده عضو دیگر برای پیشرفت کار از واجبات است. چون امر بازرسی بسیار دقیق و پر مسؤولیت است اعضای هیئت از میان بازنشستگان که مردمی کار آزموده و واقف بامور اداری هستند انتخاب میشوند و البته حقوق و خرج سفر کافی هم بآنها میدهند. رسیدگی این هیئت بامور پایان پذیر نیست و دولت مجبور میشود که پس از چند سال هیئتی دیگر معین کند که بکار هیئت نخستین رسیدگی نماید. مختصر این رشته چنان دراز میشود که گذارش هرگز بچنین نخواهد افتاد و در خلال این احوال سپاه کارمندان هم دائم روبرو زونی میگنارد و خیابانهای فاره زیر قدمهای ناستوارش میتوفند.

قسمت سوم - مجلس مصر

مجلس مصر تقریباً همیشه بحال تعطیل است. هر چند مردم بخاطر آن در خیابانها فریاد میرانند- همینکه مجلس تشکیل شد دیگر ب فکر آن نیستند و آنرا از یاد میبرند. تنها و کلا در این باب فراوان حرارت میکنند آنهم برای اینکه اگر مجلس گشاده باشد هر و کیلی در سال ششصد بوند حقوق بگیرد و اگر تعطیل باشد حقوقش قطع میگردد. خرج داوطلب و کالت زیاد است و هررأی برای او از پنج تا بیست و پنج شلینگ تمام میشود. طبیعتاً هر و کیلی انتظار دارد که مجلس تا پولهای رفته باز نیاید- مفتوح بماند هر چند هیاهوی مجلس

زیاد است آزارش کم است و برای مردم تفریح خوبی است. انصاف اینکه هیچ مجلس ساز و آواز و باده نوشی و محفل انسی و پیای آن نمیرسد.

عده و کلاه از سیصد تن کمتر است اما باندازه سیصد هزار تن هیاهو و غوغا دارد چه در آن واحد همه و کلاه حرف میزنند. و کلای پارلمان بریتانیا در باب موضوعی که در آن بصیرت یا بان دل بستگی دارند سخن میزنند، در مجلس مصر هیچکس در هیچ موضوع خبرت ندارد اما هر کس راجع به رمبختی که تصور رود داد سخن میدهد و آنکه اطلاعات از همه کمتر است بیشتر بر چنانگی میکند. مثلا اگر موضوع مذاکرات کشت و زرع ناحیه ای از نواحی وادی نیل باشد و کیل آن حوزه در باب واحه سیوا که هرگز آتران دیده و شاید اسمش را هم نشنیده باشد سخنرانی میکند و چندان حرارت بخروج میدهد و سخن را بدر ازا میکشد که از حال می رود و پیشخدمتها مجبور میشوند او را بحال بیاورند. اگر تماشائی بمرض سرد مبتلا باشد و بتواند دوام بیاورد از دیدن این منظره لذت میبرد. حضور در مجلس طرف عصر برای تماشاگران تفنن دلنشینی است. هر وقت سرو صدا گوش خراش گردد و عده سخنران از حد نصاب تجاوز نماید (قاعده این است که در یک حال بیش از ۲۵ نفر صحبت نکنند) برای توجه دادن و کلاه باینکه نظم داخلی را مراعات کنند رئیس مجلس زنگ را بصدا در می آورد. هیئت رئیسه همه گونه زنگی را هم از زنگ روی میزی گرفته تا زنگ ایستگاه راه آهن آزمایش کرده و هیچیک را نپسندیده و ناچار زنگ اداره اطفاییه را بعاریه گرفته است. در یکی از جلسات مجلس رئیس دائم زنگ میزد، و کیلی از او مؤاخذه کرد که چرا در زنگ زدن لجاج میورزد، رئیس بی تأمل جواب داد که زنگ از آن اوست و هر وقت دلش میخواهد میزند. این گفته روحیه و طبیعت شرقی را خوب نمایان میسازد. رانندگان و وسایل نقلیه هم بر رئیس مجلس تأسی میجویند. بوق اتومبیل ملک طلق آنهاست بنابراین آنها هم هر وقت و هر قدر دلشان بخواهد آنها میزنند و بهمین جهت هم راننده همچنانکه پایش دائم بر پدال گاز است انگشتانش بر کلاکسون (بوقهای پر صدا و گوش خراش) بکراست.

مصر بر حسب قانون اساسی مجلس سنا هم دارد اما این مجلس برای کسی که بخواهد نظرهای خود را آشکار بسازد محیطی مساعد نیست. یکی از سناتورها که در نخستین جلسه برای ایراد نطق بیای خاست هنوز هم ننشسته و بیاناتش از آغاز بانجام نیامده است، ناطق شب راهم بسخنرانی سر کرد سبیده دم که فراشان برای نظافت و گرد گیری وارد تالار شدند آنان را طرف خطاب خویش قرار داد اتفاقا پیشخدمتها بسخنان ناطق راغب تر از همکارانش بودند و بهتر هم گوش دادند.

چون در مصر هر کس شیفته سخنگویی است طول کلام و خود خواهی این سناتور باعث زشت نامی مجلس سنا شده است و غالب کسانی که داوطلب این مقام بوده اند اکنون ترجیح میدهند که در کافه ها و حتی در منزل بصحبت باشند تا در سنا زبان بسته بمانند.

هیئت دولت را مجلس معین میکند اما در غیاب مجلس داوطلب خود خوشتن را بوزارت منصوب میسازد. قوانین مالی بهر کس که شش ماه وزارت کند اجازه میدهد که

در روزگار معزولی مبلغی از خزانه دولت بگیرد. بنابراین هر کابینه‌ای هر اندازه منفور باشد درامش کمتر از شش ماه نخواهد بود و هر قدر محبوب باشد بیش از شش ماه بر سر کار نخواهد ماند جهت این است که سواد اعظم با رزوی وزارت تنگ پشت سر هم ایستاده‌اند و فشار عقب بجلو چندان شدید است که وزراء و مشاورین آنها را پس از اندک مدت بیرون صف پرتاب میکنند.

مصریان را عادت بر این است که همینکه شاغل مقام وزارت شدند فی الفور بتمام اقدامات و وزرای سلف خط بطلان میکشند یا عکس آنرا عمل میکنند. بمثل اگر کابینه احمد پاشا دستور داده باشد که مقداری بر ارتفاع سد آسوان بیفزایند کابینه حمید پاشا مقرر میدارد که مبلغی از بلندی آن بکاهند و اگر کابینه حزب اتحاد امر کرده باشد که راهی را از قاهره بسوئز صاف و هموار سازند دولت تازه وفد فرمان میدهد که آنرا از سوئز شروع کنند و بقاهره برسانند. پی بردن بر علت این کار چندان دشوار نیست. آنچه دشمنان و مخالفان سیاسی میکنند خطا و عیب است و دیگر اینکه مصری دون مقام خود میداند که دنباله کار دیگری را بگیرد و آنچه را که کابینه‌ای شروع کرده و نیمه کار گذاشته آنرا بیابان برساند. تغییر کابینه و تغییرات ادارات و کارمندان لازم و ملزوم یکدیگرند و ضمناً در این تغییرات استانداران را بر سوائی تام از مقام خود میرانند. هر چه مقام و الا تر سقوط آن ناگهانی تر - بکارمندی مانند معاون شهر بانی ممکن است يك هفته و گاهی يك ماه قبل اعلام دهند که بار و بنه خود را ببندد و عزم رحیل نماید اما استاندار در همان ساعتی که از خانه بیرون می‌آید که بدیوان برود ابلاغ عزل و طرد بدستش میرسد و عجب آنکه این مأمور عالی مقام دیگر جرأت ندارد که قدم بدفتر کار سابق خود بگذارد چه مستخدمین سگها را بر او تخریش میکنند. این اعمال بر این باعث آمده است که استانداران در محل مأموریت بنه خود را اصلاح باز نکنند خصوصاً که استاندار آینده هم در آستانه منتظر فرصت است. در ابتدای امر کارمندان جزء بخیال آنکه استاندار معزول دیگر مصدر کار نخواهد شد نسبت باو استخفافها و بی حرمتیها رو امیداشتند اما برخلاف انتظار طولی نمیکشید که همو بمقام نخستین بر میگشت و در آن موقع حساب خود را با کارمندان مذکور پاک میکرد و بقول معروف « از خجالت آنها بیرون می‌آمد ». کارمندان اکنون درس خود را خوب آموخته‌اند و هر وقت استانداری معزول میشود دیدر قه او میروند و کیف او را دست بدست میدهند و در موقع خدا حافظی میگویند « امیدواریم پس از شش ماه جمال مبارک را باز زیارت کنیم » سپس بیسبب از استاندار جدید می‌شنابند و کیف او را زیر بغل میگیرند و از دیدار او اظهار بشاشت مینمایند و در راه بهر ض او می‌رسانند که همه کارها بکام است و اعضاء در انتظار ورود او بی تابند پس از آن بوصف هوای خوش و مطبوع فصل گریزمیزنند.

اکنون چون همه کارمندان درس خود را از بردارند و از این بازی « مرد مرد من » مسبقند نتیجه کارها بهتر شده است. روش مذکور علاوه بر آنکه تنوع و تازگی بمیان می‌آورد روح خسته کارمندان را طراوت می‌بخشد برؤسا هم فرصت استراحت و تجدید قوی میدهد خرج گزافی هم بردولت تحمیل نمیکرد فقط بجای آنکه دولت بیک گروه کارمند حقوق بدهد بدو گروه میدهد و این چندان اهمیت ندارد.

در مصرا انتخابات عمومی و آزاد است حتی دهاتیان بی وقوف هم حق رأی دارند. معنای انتخابات آزاد در مصر این است که فی المثل چون قدرت در دست حزب وفد باشد و کسی بخواهد بدو طلبی خارج از این حزب رای بدهد چنان با چماق بفرق او میکوبند که زود بخود می آید و میفهمد بهوخواه کدام حزب باید رای بدهد و اگر حس او کندی گرفته باشد و مطلب را زود در نیابد آنقدر او را میزنند که حال و حوصله شرکت در رأی دادن برای او باقی نمی ماند. اگر حزب اتحاد علمدار شد و مردم نخواهند رأی بدهند پاسبانان درین امر دخالت میکنند و مردم را بصف برای ریختن اوراق رأی بصندوق بجانب شعبه ها میکشند. این قاعده بسیار سودمند واقع شده است. در سال ۱۹۳۱ که نود و پنج درصد مردم از رأی دادن استنکاف ورزیدند طبق گزارش متصدیان ۹۷ درصد مردم بیل خود بصندوق و زرقه رأی ریختند. لیاقت و کفایت پاسبانان را در این امر نباید از نظر دور داشت چه نه تنها زنده ها رأی دادند بلکه مرده های شش هفت ساله هم از گور بر آمدند و در این امر وطنی و حزبی شرکت نمودند. در یکی از شعبه ها نزدیک بیابان یافتن امر رأی گیری چیزی نمانده بود که عده آراء از صد و پنج درصد تجاوز کند.

چرا اینهم کسی نباید انتظار داشته باشد. واقعا این کوشش و مجاهده مشتی است که بدهان توری های (یعنی محافظه کاران) بدین که دائم بحکومت دموکراسی بهتان میکوبند فرود می آید. نسبت ضعف و سستی بحکومت دموکراسی در برابر ارقام بالا بسیار مضحک و کودگانه است.

ترجمه سه فصل از کتاب پایان یافت اینک نظر و عقیده مترجم بنقل از دفتر دوم منثوی:

جو حی

زار می نالید و بر میکوفت سر	کود کسی در پیش تابوت پدر
تا ترا در زیر خاک کی بسپرند	کای پدر آخر کجایت میبرند
نی دروقالی و نی دروی حصیر	میبرندت خانه تنگ و زحیر
نی در آن بوی طعامی نه نشان	نی چراغی در شب و نی روزنان
نی در آن بهر ضیائی هیچ جام	نی درش معمور و نی سقف و نه بام
نی یکی همسایه کو باشد پناه	نی در آن از بهر مهمان آب چاه
چون شود درخانه کورو کی بود	جسم تو کو بوسه گاه خلق بود
کاندر آن نه روی میماند نه رنگ	خانه بی زینهار و جای تنگ
وزدودیده اشک خونین میفشرد	زین نسق اوصاف خانه میشمرد
والله این را خانه ما میبرند	گفت جو حی باید رکای ارجمند
گفت ای بابا نشانها شنو	گفت جو حی را پدر ابله مشو

این نشانها که گفت او یک یک
خانه ما را است بی تردید و شک